



مؤلفه‌های روش‌شناسی انتقادی در حوزه علوم انسانی با تأکید بر آموزش مبتنی بر مسئله

فائزه توکلی^۱

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی (تهران مرکز)

و کارشناس پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ایران

نقد در حوزه علوم انسانی همراه با مسئله‌شناسی در این حوزه معرفتی در دو حوزه نظر و عمل باید بسط یابد. یکی از مسائل مهم در جامعه ایرانی حوزه علوم انسانی است که به‌گونه‌ای با بحران ناکارآمدی مواجه است. علوم انسانی را اگر «بررسی هستن انسان در برون ذات و درون ذاتش به شمار آوریم و اگر بپذیریم که علوم انسانی، معرفت ناظر بر انسان در آئینه ذهن، زبان، رفتار و نهادها و ساختارهای اجتماعی مصنوع اوست» به اهمیت و ضرورت کارسازی این معرفت بر منبج نقد وقوع خواهیم یافت. در این مقاله با ارائه مؤلفه‌های روش‌شناسی انتقادی در متون علوم انسانی با تأکید بر آموزش آن به استادان و دانشجویان که مخاطبان اصلی در آموزش و فراگیری هستند، پرداخته شده است. همچنین تأکید این مقاله با محوریت آموزش روش انتقادی در علوم انسانی و آشنایی بر آموزش مبتنی بر مسئله در تدریس متون علوم انسانی به منظور تأکید فراگیر و ایجاد مهارت در ارائه راه حل برای مشکلات انسانی است که جامعه با آن مواجه است. لازم به ذکر است از روش‌شناسی تفکر انتقادی که در این مقاله ارائه شده است در سایر رشته‌های علوم نیز می‌توان بهره برد.

واژه‌های کلیدی: مؤلفه‌های علوم انسانی، روش‌شناسی انتقادی، مسئله‌شناسی.

^۱ faezhtavakoli@yahoo.com

مقدمه

دانشجویان جامعه دانشی در دو دهه اخیر در ایران، با بحران دانشجو، استاد یا معلم و شاگرد و در کلیت با بحران در علوم انسانی در مواجهه است و آن به دور از اخلاق انتقادی است. کانت می‌گوید: «دانشگاه‌ها باید اهداف روشنگری را دنبال کنند و به نهادهایی برای استفاده آزاد از عقل تبدیل شوند». بنابراین از یکسو باید توجه داشت که توسعه علوم انسانی کشور ما علاوه بر رونق بخشی به سایر علوم بر روی توسعه همه‌جانبه کشور تأثیر بسیار مهمی دارد. از دیگر سو علوم انسانی بر خلاف سایر علوم، قلمرو بسیار گسترده و همچنین موقعیت بسیار پیچیده‌ای دارد و باید برای توسعه کیفی و ارتقاء آن تلاش‌های دقیق و منسجمی انجام شود. اصلاح پژوهش‌های خلاق و کاربردی با تکیه بر صورت‌مندی مسائل مرتبط و ضروری در علوم انسانی به شدت به تغییر در نظام آموزشی کشور وابسته است و تا زمانی که از روش نقد و نقادی خلاق در بین دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی ما وجود نداشته باشد، امکان ایجاد تحول و نظریه‌پردازی و در نتیجه تولید علم در این زمینه معنادار نخواهد بود. ارتقاء علوم انسانی در زمینه ایجاد تفکر خلاق و تفکر انتقادی زمان‌بر است و تربیت مدیرانی که با این روش آموزش دهند، موجب موفقیت‌های کاربردی در این حوزه خواهد بود. در این راستا رفع بسیاری از موانع نگرشی، فرهنگی و از همه مهم‌تر روش‌شناختی تنها با گذشت زمان و ایجاد فرصت‌های فراخ، امکان‌پذیر خواهد بود. شرط ضروری تکوین و توسعه در علوم انسانی و نقش‌آفرینی آن در توسعه سایر علوم و بهبود وجه مختلف زیست فردی و جمعی جوامع شرقی و غربی و جهان اولی و خری، ایده‌آل نقد و انتقادی بودن آن است. رونق ابعاد و سویه‌های نقد: نقد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، هنری، دینی، ادبی، فلسفی و ... در برهه‌ای از تاریخ موجب رونق زندگی و ارتقای بینش و حیاط‌مندی انسان‌ها و سلام ذهن و ضمیر شده است. پیامبران در شمار بزرگ‌ترین منتقدان اجتماعی هستند که طرح و بسط پیام‌هایی بخش‌شان موجب تحول تاریخ در تراز «دوران» تاریخی شد. یعنی ذهن، ضمیر و حیات جامعه مخاطب را ارتقاء بخشیده‌اند. دانش انسانی نیز مانند نبوت باید حاوی و حامل «نبا» است که به رهایی آدمی از نوع جبر و جهل و جور انجامد.

اگر به پیروی از ملای منتقد، مولوی، آدمی را به اندیشه‌اش فرو کاهیم و اندیشه را نحوه‌ای از هستن به شمار آوریم، می‌تواند انقیاد و نقطه مقابل آن نقد و انتقاد را نشانه دو گونه هستن دانست. هستن منقادانه در واقع حکایت از انواع و اقسام کاستی‌ها و نواقصی می‌کند که موجب استمرار صغارت و هجر آدمی و ماندن در بر هوت لم یزرع و بی‌ثمر تهی شدن از خود و پر شدن از غیر و نهایتاً رانده شدن در بن‌بست اسارت در تداوم زندگی در تراز زیست‌شناختی می‌شود. در برابر نقد و انتقاد نشانه ورود آدمی به تراز زیست انسانی، عمل بر منهج خرد است. نقد نشانه تجهیز آدمی به توانمندی روانی از یک سو برای فائق آمدن بر همه نیروها و عواملی است که از تهیایی روح وی از مایه‌های شخصیت و هویت تغذی می‌کنند و از سوی دیگر علائم برخورداری از توانمندی ذهنی و عقلانی بشر برای واکاوی سویه‌های مثبت و منفی، درست و نادرست، کارایی و ناکارایی است. در واقع نقد و معرفت حاصله از آن ابزار کارسازی است در دست بشر برای بسط و تفصیل استعدادهای مجمل و متراکم خدادادی و شاید بتوان در پرتو

این ایده از حدیث شریفی که متضمن خلقت انسان بر صورت خداوند است فهمی این چنین به دست داد که توانایی بشر در صفت آفرینش در طول اراده ربوبی قرار دارد و همانند آن است.

تعریف علوم انسانی

در منابع تعاریف زیادی از علوم انسانی مطرح شده است. علوم انسانی معرفت ناظر بر انسان در آئینه ذهن، زبان، رفتار و نهادها و ساختارهای اجتماعی مصنوع اوست.^۱ رسالت متخصصان علوم انسانی در حوزه‌های دانشگاهی و هم اندیشی‌های روشنفکری در جوامعی چون ایران بنا به مختصات فرهنگی و فکری که وضع کلی آن در مواجهه سنت و مدرنیته و بار سنگین تقابل یا تعامل این دو جهان رقم می‌خورد بسیار سنگین است.

کارسازی عقلانیت انتقادی در علوم انسانی در راستای روش‌شناسی، مسئله‌شناسی، و سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در حوزه نظر و عمل بسط یابد. توسعه مستلزم تکوین عقلانیت توسعه است و این عقلانیت بشر رشد و شکوفایی علوم تجربی به عنوان ابزار تحقق ایده‌های مندرج در عقلانیت توسعه است، به عبارت بهتر بذر علوم مذکور در خاک، هوا و آبی جوانه زده و رشد می‌یابد که به واسطه علوم انسانی مهیا می‌شود. در این پژوهش با تأکید بر آموزش تفکر انتقادی و بسط آن در حوزه علوم انسانی و مهارت‌های حل مسئله، بر توانایی تفکر به شکل تفکر انتقادی به عنوان یکی از راهکارها و مهارت‌های اساسی در استنباط و استنتاج و روش‌بینی و باز اندیشی بدون حذف و طرد نظریه‌های غیر، تأکید می‌شود. در جامعه اطلاعاتی کنونی و با حجم وسیع داده‌ها، مهارت برخورد با مشکلات و تصمیم‌گیری مستقل در حوزه معرفت دینی، اجتماعی، سیاسی امری حیاتی است. در زیر با تعریف تفکر انتقادی روش‌های این مهارت آورده می‌شود تا در حوزه علوم انسانی، سلاحی برای تجهیز و توانمندی تفکر نسل جوان باشد.

تعریف نظری توانایی تفکر انتقادی

کلمه‌ی انتقادی^۱ دارای ریشه یونانی است و از لغت کرتیک^۲ به معنای «انتقاد^۳» گرفته شده است. انتقادی بودن به معنی سؤال و پرسش کردن، احساس یا درک کردن^۴ و تحلیل کردن است. با انتقادی بودن، فرد تفکر خود و دیگران را مورد بررسی قرار می‌دهد. تفکر انتقادی فرآیندی کاربردی و عملی است (Rubenfeld, 1999:7).

روش‌ها، راه‌های بشر، روشن‌تر، دقیق‌تر، مطمئن‌تر و کاملاً فرایندی هدفمند است که با قضاوت و شناخت در راستای حل مسائل و تصمیم‌گیری همراه است.

تفکر انتقادی با تفکر معمولی تفاوت دارد، تفکر معمولی وقتی است که پاسخ‌های فردی خود به خودی و بدون توجه (تفکر) بوده و فرد در فرآیندهای تا حدی واکنشی، روزمره، غیر تأملی و سریع

¹ Critical.

² Kritikos.

³ Critic.

⁴ To makesense of.

درگیر شود. در تفکر معمولی رویکرد خطی است، یعنی دیدن مسئله بحث‌برانگیز/ موقعیت/ نیاز، عمل کردن و دور شدن از آن است. این نوع تفکر ممکن است همراه با توجه نباشد و فقط لازم باشد کاری انجام شود. در تفکر معمولی مسئله بحث‌برانگیز مورد نظر، احتمالاً خیلی مهم نبوده و احتمالاً عقیده بر این است که پاسخی سریع برای آن مناسب است.

تفکر انتقادی توانایی حل مشکلات به وسیله درک (احساس) اطلاعات با استفاده از فرآیندهای ذهنی تحلیلی، منطقی، الهامی (شهودی) و خلاق است. (اسلامی، ۱۳۸۲: ۳۲).
در این تعریف، تفکر انتقادی در برگیرنده یک عمل کامل مغزی است که هر دو نیم‌کره راست (الهامی و خلاق) و چپ (منطقی و تحلیلی) را درگیر نموده و از همه مهم‌تر دارای فرآیندی مداوم و پیوسته است.^۱

تفکر انتقادی را فرآیند منظم عقلانی از مفهوم‌سازی ماهرانه و فعالانه، به کارگیری، تحلیل، ترکیب و یا ارزشیابی اطلاعات کسب شده یا تولید شده به وسیله مشاهده، تجربه، انعکاس (تأمل و تعمق)، استدلال و ارتباط، به عنوان راهنمایی برای باور یا عمل می‌دانند. هیچ‌کس صد در صد متفکر انتقادی نیست، به این دلیل توسعه مهارت‌ها و تمایلات تفکر انتقادی تلاشی مادام‌العمر است.
تفکر انتقادی روشی از فکر کردن درباره هر موضوع، محتوی، یا مشکلی است که متفکر درصدد بهبود و اصلاح کیفیت تفکر خود با به کارگیری ماهرانه ساختارهای اصلی تفکر و اعمال استانداردها بر آن‌ها است. (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۵).

اصول و مراحل تفکر انتقادی

۱. استنباط

استنباط نتیجه‌ای است که فرد از پدیده‌های به وقع پیوسته به دست می‌آورد. مثلاً چراغ‌های خانه‌ای روشن باشد و از داخل خانه صدای موسیقی شنیده شود، شخص می‌تواند استنباط کند احتمالاً کسی در خانه است. البته این استنباط می‌تواند درست یا نادرست باشد، مثلاً ممکن است اهل خانه هنگام بیرون رفتن چراغ‌ها و رادیو را خاموش نکرده باشند. استنباط توانایی تشخیص داده‌های درست از نادرست از میان اطلاعات داده شده است. در بخش استنباط، محقق می‌سنجد که آیا دانشجو می‌تواند عبارت صحیح و غلط را از هم تمیز دهد.

۲. شناسایی مفروضات

مفروض عبارتی است که از پیش در نظر گرفته می‌شود، بدیهی فرض شده و یا برای پذیرفته شدن پیشنهاد می‌شود. وقتی می‌گویید من در مرداد ماه فارغ التحصیل خواهم شد، فرض می‌کنید تا مرداد ماه زنده خواهید بود و یا دانشکده، فارغ التحصیلی شما را در مرداد اعلام خواهد کرد و مواردی از این قبیل: شناسایی مفروضات در حقیقت توانایی تشخیص مفروضات پیشنهادی از عبارات بیانی است. در

^۱ Regular thinking.

بخش تشخیص پیش فرض‌ها وجود یا عدم وجود پیش‌فرض‌های مطرح شده در عبارت مورد سنجش قرار گیرد.

۳. استنتاج

در استنتاج از مقدماتی منطقی نتیجه و یا نتایجی گرفته می‌شود. در استنتاج پیش داوری‌های ذهنی نبایستی بر قضاوت و نتیجه‌گیری تأثیر بگذارد، چرا که این فرآیند را از شیوه منطقی خود خارج می‌کند و باعث نتیجه‌گیری نادرست می‌شود. در استنتاج حرکت ذهنی از جزء به سوی کل است، بدین ترتیب که از مقدماتی جزئی نتیجه کلی گرفته می‌شود. همچنین در استنتاج توانایی تفکیک مقدمات و داده‌ها از نتیجه کلی حائز اهمیت است. در بخش استنتاج محقق می‌سنجد که آیا دانشجو می‌تواند درک کند که کدام نتایج از موقعیت‌های ذکر شده استخراج می‌شود.

۴. تعبیر و تفسیر

تعبیر و تفسیر توانایی پردازش اطلاعات و تعیین اعتبار آنها است. در این فرآیند باید قضاوت شود که آیا نتایج به طور منطقی از داده و مقدمه‌های خود گرفته شده‌است یا خیر؟ بنابراین در تعبیر و تفسیر استنتاجی صورت نمی‌گیرد، بلکه نتایج در دسترس ما است و موضوع مهم این است که داده‌ها و مقدمه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرند و برآورد شود که آیا نتایج گرفته شده از آنها درست است یا نادرست؟ در بخش تعبیر و تفسیر داده‌ها محقق می‌سنجد که آیا دانشجو می‌تواند تعابیر و تفاسیر مناسب را از شرح حال‌های ذکر شده استخراج کند.

۵. ارزشیابی استدلال‌های منطقی

در موارد مهم تصمیم‌گیری درباره انتخاب استدلال‌های قوی و ضعیف، مطلوب‌تر آن است که بتوانیم استدلال‌های قوی و ضعیف را تشخیص دهیم. یک استدلال منطقی وقتی قوی است که هم مهم و هم در ارتباط مستقیم با سؤال باشد و یک استدلال وقتی ضعیف است که مستقیماً در ارتباط با سؤال نباشد (حتی اگر از اهمیت زیادی برخوردار باشد) یا کم اهمیت باشد و یا تنها با جنبه‌های علمی و کم اهمیت سؤال در ارتباط باشد. در بخش ارزشیابی محقق می‌سنجد که آیا دانشجو می‌تواند اعلام کند کدام دلیل ضعیف و کدام دلیل قوی است.

انواع تفکر انتقادی

پائل (۱۹۹۰) چهار نوع تفکر انتقادی را توصیف کرده‌است که عبارت از: تفکر انتقادی، تفکر غیر انتقادی^۱ تفکر سفسطه‌آمیز^۲ (حس ضعیفی از تفکر انتقادی) و تفکر انتقادی بی‌غرض^۳ یا منصفانه (حس قوی از تفکر انتقادی) هستند.

۱. **تفکر انتقادی:** تفکر انتقادی فرایندی را توصیف می‌کند که به وسیله فردی که بر فرآیندهای تفکر خود آگاه است، به کار برده شده‌است. چنین فردی تلاش می‌کند دقیق‌تر،

¹ Uncritical thinking.

² Sophistic critical thinking.

³ Fair-minded (critical thinking).

درست‌تر، مرتبط‌تر، ثابت‌تر (سازگارتر) و منصفانه‌تر (بی‌تعصب) باشد، تفکری عمیق و ضمناً همراه با شک است. متفکر انتقادی از سوگیری، پیش‌داوری، یک طرفه‌بودن فکر (غرض‌ورزی) خودآگاه بوده و می‌کوشد تا آن‌ها را از میان بردارد. متفکر انتقادی همچنین بر دانسته‌ها و ندانسته‌های خود آگاه است.

۲. **تفکر غیر انتقادی:** تفکر غیر انتقادی ناخواستنی‌ترین (نامطلوب‌ترین) نوع تفکر است. تفکر غیرانتقادی تفکری نامشخص، غیر دقیق، مبهم، غیرمنطقی، غیرتأملی، سطحی، بی‌ثبات و ناپایدار، نادرست، و بدیهی^۱ است. این نوع تفکر، خودمحور است، یعنی فرد به هر چیزی در رابطه با خود نگاه می‌کند. تفکر غیر انتقادی از تقاضاهای مربوط به شناخت‌شناسی خوب فکر کردن^۲ و اصول استدلال منطقی چشم‌پوشی می‌کند.

۳. **تفکر انتقادی سفسطه‌آمیز:** تفکر انتقادی سفسطه‌آمیز به استدلال زیرکانه^۳ توصیفی اشاره دارد. این نوع تفکر از اصول استدلال منطقی برای خدمت به منافع مقرر^۴ متفکر استفاده می‌ند. بنابراین متفکر سفسطه‌کار هم حور (خودمدار) و هم نژادپرست^۵ (قوم‌مدار) است.

۴. **تفکر انتقادی بی‌غرض یا منصفانه:** تفکر انتقادی بی‌غرض یا منصفانه، مطلوب‌ترین نوع تفکر است. این نوع تفکر از اصول استدلال منطقی در همه موقعیت‌ها استفاده می‌کند، چه وقتی که به درد متفکر بخورد و چه وقتی که به درد او نخورد. متفکر انتقادی بی‌رض (منصف)، به طور ثابت در همه حال از اصول منطق به طور یکسان هم برای خود و هم برای دیگران استفاده می‌کند. پائل معتقد است که مه باید تلاش کنند تا متفکران منصف و بی‌غرض باشند. (بهمن‌پور، ۱۳۸۲: ۷۲).

روش‌های آموزشی تفکر انتقادی

روش‌های آموزش تفکر انتقادی در دو دهه اخیر تاکنون تحت تأثیر روش‌های آموزشی از قبیل؛ پرسش کردن، فعالیت در گروه‌های کوچک، ارائه گروهی، یادگیری مشارکتی، مطالعات موردی، آموزش با کامپیوتر، استفاده از پست الکترونیکی، تنظیم و طراحی تکالیف درسی نوشتاری، خودارزیابی، تشکیل پوشه‌ای از فعالیت‌های یادگیری به وسیله دانشجو یا کارپوشه^۶ روش مبتنی بر حل مسئله، روش نقشه مفهومی^۷ روش یادگیری خودگردان^۸، بازاندیشی، به کارگیری راهبردهای خاص در روش سخنرانی،

¹ Trivial.

² Good thinking.

³ Subtly.

⁴ Vested interests.

⁵ Ethnocentric.

⁶ Portfolio.

⁷ Concept map.

⁸ Self- Directed Method.

اندیشیدن در مورد تفکر، شبیه‌سازی و بسیاری موارد دیگر را در پرورش تفکر انتقادی دانشجویان مورد تأیید قرار گرفته‌است. (Kataoka.1994:356-351).

۱. اندیشیدن در مورد تفکر

همان‌بازاندیشی فردی در مورد تفکر خود در خلال یک موقعیت واقعی یا شبیه‌سازی شده با مراقبت‌های مامایی است. دانشجویان سؤالاتی را در مورد موضوع طرح می‌کردند، روش‌های متعددی را برای پاسخ دادن به سؤال پیدا می‌کردند (خلاقیت)، بهترین روش را اجرا و نتایج را ارزشیابی می‌کردند.

۲. پرسش یا آموزش به روش سقراطی^۱

قدیمی‌ترین و هنوز قوی‌ترین، فن آموزشی در پرورش تفکر انتقادی است. در این روش، تمرکز بر سؤالاتی است که به دانشجو داده می‌شود نه بر پاسخ‌هایی که دانشجو می‌دهد. پرسیدن سؤالات سقراطی از قبیل؛ «از کجا می‌دانید؟» «چطور می‌توانید مطمئن شوید که این مدرک معتبر است؟» «چه نتایج شما می‌توانید با توجه به این مدرک بدست آورید؟» «از چه استانداردی برای اندازه‌گیری قضاوت‌های خود استفاده می‌کنید؟» «چگونه متوجه خواهید شد که قضاوت‌های شما درست هستند».

۳. تشکیل کارپوشه

کارنما نمونه‌ای از کار دانشجویان است که برای یک دوره زمانی مشخص مثل یک ترم جمع‌آوری می‌شود. این کارنما علاوه بر این که روش تدریس است، روشی برای خود ارزشیابی نیز هست که به رشد تفکر انتقادی نیز منجر می‌شود.

۴. ارائه مقاله

این نوع تفکرات باز به عنوان پایه‌ای برای نوشتن مقاله‌ای پنج صفحه‌ای براساس کیفیت و عمق فعالیت تأملی و ارزشیابی تأمل و اندیشه دانشجویان از تجربه فردی و مرور بر مطالعات و متون است. از دانشجویان بخواهید که دفتر وقایع روزانه‌ای را برای ثبت تجارب اختصاص بدهند. (Suliman 2007:167)

۵. مطالعات موردی

بعد از ارائه یک سخنرانی یا فیلمی در مورد موضوعی بحث گروهی در کلاس صورت می‌گیرد. این امر استدلال تشخیصی^۲ را تقویت می‌کند. این نوع یادگیری ماهیتاً تأملی است و به دانشجویان اجازه می‌دهد که موضوع را از زوایای مختلف بررسی و بررسی مجدد کنند (اندیشه آزاد). در این روش تفکر انتقادی دانشجویان به دلیل بررسی پیش فرض‌ها افزایش می‌یابد و آنها می‌توانند مراقبت‌های انتخابی را شناسایی و اولویت‌بندی کنند. (Yahiro 1994:356)

۶. فعالیت در گروه‌های کوچک و یادگیری مشارکتی^۳:

^۱ Socratic teaching.

^۲ Diagnostic reasoning.

^۳ Cooperative learning.

این روش شامل تشکیل گروه‌های کوچک دانشجویی است که برای چند هفته از نیم‌سال تحصیلی برای

تولید پروژه‌های یادگیری انتخابی خود کار می‌کنند. نهایتاً کار هر گروه به گروه دیگری داده می‌شود و پس از بازبینی کارگروه‌ها مورد بحث و گفتگو و سؤال از یکدیگر و گرفتن پاسخ قرار می‌گیرد. دانشجویان به صورت آزادانه^۱ طوفان فکری، ... نظرات خود را اعلام می‌کنند. (Schaferman.1999:24).

۷. سخنرانی^۲:

در تدریس کلاسی می‌توانیم بیش‌تر به نظرات دانشجو توجه کنیم، دانشجویان را وادار کنیم که باهم بحث کنند و سؤالات دقیق و در سطوح بالاتر یادگیری را مطرح کنیم. سؤال کردن از دانشجویان به گونه‌ای که آنها نه فقط مطالب را بفهمند، بلکه آن را تحلیل و در موقعیت‌های جدید به کار ببرند، همچنین تشویق دانشجویان برای تفکر بر مطالب ارائه شده، دادن زمان لازم برای پاسخ‌گویی به سؤالات در تقویت تفکر انتقادی مؤثر است.

۸. تنظیم و طراحی تکالیف درسی نوشتاری:

برای جلسه بعد تکلیف مشخص کنید یا موضوعی برای مطالعه فراتر به دانشجو بدهید. به کارگیری تکالیف نوشتاری در کلاس و خارج از کلاس به عنوان یک استراتژی یادگیری تفکر انتقادی می‌تواند در ارتقاء سطح یادگیری دانشجویان مؤثر باشد. حل خوب، مسئله نوشتن خوب، نشانه تفکر انتقادی خوب است.

۹. درخت‌های مفهومی^۳:

نقشه‌سازی مفهومی به عنوان روش یاددهی یادگیری به کار رفته‌است که برای رشد تفکر انتقادی مؤثر است. نقشه‌های مفهومی یا دیاگرام‌های دیداری، به عنوان یک روش آموزشی و ارزشیابی در تفکر انتقادی مطرح شده‌اند، به نظر می‌رسد که این نقشه‌ها، روشی را برای به خاطر آوردن و سازماندهی اطلاعات مهم را فراهم می‌کنند. در این روش عنوان کلی در جعبه‌ای بالای صفحه ثبت شده و مفاهیم مرتبط با آن به صورت شاخه‌های درخت به آن متصل شده و بسط داده می‌شوند.

۱۰. روش‌های تصویر ذهنی:

موضوعی را در کلاس مطرح کنید و از دانشجو بخواهید که در ذهن خود آن را تفسیر کند و تصویری برای آن جست‌وجو کند.

۱۱. ایفای نقش^۴:

¹ Freewrite.

² Lectur.

³ Cognitive mapping.

⁴ Simulating the Real World.

به یک دانشجو نقش معنادار داده و به دیگری نقش مراقب معنادار می‌دهیم که در حال انجام مراقبت یا ارائه مشاوره باشد. چون دانشجو مجبور می‌شود که دانش خود را در مورد مراقبت بیمار و حل مشکلات وی به کار ببرد، خلاقیت خود را به کار می‌گیرد، پس سطح بالاتری از یادگیری رخ می‌دهد.

۱۲. پست الکترونیکی:

مدارس سوال چهارجوابی که به دانشجویان با پست الکترونیکی ارسال می‌دارد و دانشجویان پاسخ‌های

خود را با ذکر دلایل برای مدرس ارسال می‌کنند. مدرس سپس اشکالات آنها را مرتفع می‌کند.

۱۳. امتحانات^۱:

سؤالات امتحانی به گونه‌ای می‌توانند طرح شوند که بیش‌تر تفکر انتقادی را عوض حفظ کردن طوطی‌وار ارتقاء بخشند. اگر چهار معیار زیر را برای طرح سؤالات چهار گزینه‌ای در نظر بگیریم، هم روشی است که تفکر انتقادی را در دانشجو رشد می‌دهد و هم ارزیابی می‌کند. این‌ها عبارتند از:

۱. داشتن استدلال برای هر سؤال آزمون

۲. نوشتن سؤالات در سطح کاربرد و بالاتر حیطه شناختی بلوم*

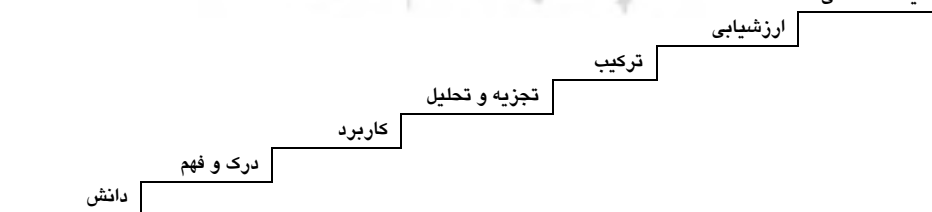
۳. پاسخ دادن به سؤالات مستلزم تفکر از نوع منطق چندگانه^۲

۴. انتخاب از میان جایگزین‌های موجه‌نما (گزینه‌های غلط) نیاز به سطوح بالای قدرت تمیز داشته باشد. در آزمون‌های عملکردی که به آنها آزمون‌های واقعی یا اصیل نیز می‌گویند فرآیندها و فرآورده‌های

یادگیری دانش‌آموزان به طور مستقیم سنجش می‌شوند. در سال‌های اخیر به دلیل پیشرفت‌های تازه در روانشناسی شناختی و تأثیر آن بر جریان‌های آموزش و پرورش، نیاز به تشویق و پرورش فرایندهای عالی فکری و مهارت‌های تفکری انتقادی، استفاده از این آزمون‌ها مورد توجه قرار گرفته‌است. علاقه‌مندی تازه متخصصین آموزش به سنجش عملکرد یادگیرندگان، امکان سنجش

¹ Exams.

* بی‌اس بلوم استاد دانشگاه شیکاگو (۱۹۵۶) اهداف آموزشی را در ۳ حیطه شناختی، عاطفی و روانی حرکتی تقسیم‌بندی کرد که جهت مشخص کردن (رفتار و اعمال مطلوب) فراگیر است که در پایان آموزش، باید در وی مشاهده شود:
حیطه شناختی



² Multilogical.

مهارت‌های شناختی سطح بالا و تکالیف عملکردی مهم مانند ایجاد ارتباط کلامی، حل مسئله را فراهم کرده‌است، که با آزمون‌های عینی مثل آزمون‌های چند گزینه‌ای قابل سنجش نیستند. (Hunt.2003:50)

روش‌های کاربردی تفکر انتقادی:

۱. به متفکران انتقادی (دانشجویان) احترام بگذارید. این امر حائز اهمیت است که هنگام آموزش تفکر انتقادی فضایی توأم با امنیت روانی برقرار شود، تا در آن دانشجویان بتوانند بدون احساس تهدید یا بی‌احترامی و توهین به بحث بپردازند. ۲. به متفکران انتقادی به دقت و با توجه گوش فرادهید. باید به دقت به پیام‌ها و اشارات کلامی و غیر کلامی دانشجویان در ضمن آموزش توجه کنید. محدود کردن سخنرانی رسمی به ۲۰ درصد کل وقت کلاس، به این وسیله به دانشجویان فرصت داده شود که مطالب تدریس شده را جذب کنند و آنچه را که بحث شده، فهمند. ۳. از تلاش‌های متفکرین انتقادی حمایت کنید. دانشجویان یک‌شبه متفکر انتقادی نمی‌شوند، بلکه باید کوشش‌های اولیه آن‌ها مورد حمایت قرار گیرد و در صورت پیشرفت تشویق شوند. ۴. دانشجویان را برای فکر کردن به صورت انتقادی برانگیزید. ۵. پیشرفت را به طور منظم ارزشیابی کنید. یکی از نقش‌های مربی، تشویق دانشجویان به درگیر شدن منظم آنها در ارزشیابی تأملی یا بازتابی مهارت‌های تفکر انتقادی خود است، به طوری که با شناسایی الگوهای رفتاری به بینش و بصیرت دست یابند. ۷. به متفکران انتقادی برای ایجاد ارتباط با سایر منتقدان کمک کنید. ۸. یک معلم انتقادی باشید. الگو و مدلی از تفکر انتقادی باشید معلم‌ها خود می‌توانند رویکردی از تفکر انتقادی را برای تدریس اتخاذ کنند. یعنی با استفاده از پرسیدن پیش‌فرض‌ها، بهبود و ارتقاء تحقیق و پرسش‌گری و آزمون ایده‌های نو را در طول آموزش اتخاذ کنند. ۹. آگاه کردن دانشجویان در مورد این که آنها چگونه تفکر انتقادی را یاد می‌گیرند. ۱۰. سعی بر آن نباشد که بیش از ۵۰ درصد مفاهیم اساسی و پایه در یک دوره درسی پوشش داده شود. در عوض تمرکز بیشتر روی مهم‌ترین مفاهیم و کاربردهای آن مفاهیم باشد. ۱۱. پرسیدن سؤالاتی عمیق که دانشجویان را به تفکر وادارد. ۱۲. استفاده از مثال‌های زیاد در کلاس به طوری که دانشجویان بتوانند بین عقاید انتزاعی و کاربردهای واقعی ارتباط برقرار کنند. ۱۳. دانشجویان ملزم به نوشتن شوند. ۱۴. ملزم کردن دانشجویان به خواندن و نوشتن قبل از هر کلاس. ۱۵. اختصاص دادن بخشی از وقت کلاس به ارائه طرح مشکلات در گروه‌های کوچک دونفره در کلاس و سپس دریافت پاسخ‌ها از گروه‌ها، همراه با تشویق و گوش کردن فعال. ۱۶. فرصت فکر کردن دادن به دانشجویان جهت ارائه پاسخی خود. ۱۷. استفاده از نمودارها به عنوان پایه و شروع بحث در کلاس. ۱۸. فراهم کردن فرصت‌های زیاد برای دانشجویان جهت نوشتن و واداشتن آن‌ها به ارزشیابی نوشته‌های خود. ۱۹. کسب اطمینان از این که مکانیسم‌های ارزشیابی اهداف تفکر انتقادی آنان را پوشش می‌دهند. ۲۰. به کارگیری روش‌های خود ارزیابی، ارزیابی هم‌کلاسی‌ها (همتایان) و آزمون‌های تصادفی به منظور کم کردن تکالیف کتبی که خود شخصاً باید ارزشیابی کنید.

کار افزایی افراد به روش تفکر انتقادی:

۱. درباره عقاید جدید فکر می‌کنند.

۲. در پی کسب اطلاعات بیش تر هستند.
۳. اطلاعاتشان را از منابع معتبر به دست می آورند.
۴. سؤال می کنند (از سؤال کردن نمی ترسند).
۵. سعی می کنند بین اطلاعاتی که دارند ارتباط برقرار کنند.
۶. واقعیت را از عقیده شخصی جدا می کنند.
۷. درباره چیزی که نمی دانند، بحث (اظهار نظر) نمی کنند.
۸. سعی می کنند حرف دیگران را بفهمند و حرفشان را به دیگران بفهمانند.
۹. براساس اطلاعات قضاوت می کنند.
۱۰. افراد با تفکر نقاد می توانند مستقل فکر کنند.
۱۱. مشکلات را شناسایی کنند، اطلاعات مربوط را جمع آوری و تجزیه و تحلیل کرده

و نتیجه بگیرند.

۱۲. افراد با تفکر نقاد می توانند بدون تکیه کردن به نظرات و ایده های دیگران فکر کنند و تصمیم بگیرند.

دنیای آموزش چنان غرق سخنان بی معنا شده که اعضاء هیأت علمی از تئوری مختلف موجود در یادگیری و عملکرد آموزشی بیگانه می شوند. بنابراین، باید تا حد امکان از سخنان بی معنا دوری کرد. ارتقاء مهارت ها عملکرد آموزشی و درک یادگیری دانشجو مستلزم صرف وقت است و آنچه در ارتقا این مهارت ضروری به نظر می رسد، مراحل تفکر انتقادی است که در این مراحل تولید دانش و انجام عمل صورت می گیرد. تغییر شکل دانش و بینش حاصله به عمل در واقع آزمودن تئوری های آموزشی است که به وسیله مربی ارتقا می یابد.

کاربرد رشد تفکر انتقادی با تکیه بر روش طرح مسئله و استادان

در میان شکل های مختلف آموزش، آموزش عالی همان طور که از نامش نیز پیداست، برتر و بالاتر از سایر انواع آموزش است. آموزش عالی وقتی بالاتر (عالی) و برتر است که دانشجو قادر به انجام ارزشیابی مستقل از آنچه که یاد گرفته است باشد... قادر به مرتبط کردن آن به نوعی دیدگاه و قادر به دیدن نقاط قوت و همچنین نقاط ضعف خود باشد. دانشگاه ها به لحاظ تاریخی برای تولید، آزمون و انتقال دانش به وجود آمده اند. مهارت های فرد دانش آموخته عبارت است از: توانایی تحلیل، ترکیب، استدلال به طور انتقادی و تفکر خلاق است. (Stib 2003:493)

هدایت یادگیرندگان به تفکر و اندیشه، اصلی ترین کار استادان به شمار می رود. معلم کارآمد کسی است که یادگیرندگان را با مسائلی روبرو سازد و برای مسائل مطرح شده آنان را به اندیشیدن هدایت کند.

یکی از شیوه‌های آموزش و روش تدریس، آموزش طرح مسئله^۱ است. در روانشناسی شناختی به فعالیت ذهنی، که عمل بازآرایی و دستکاری اطلاعات به دست آمده از محیط یا نهادهای ذخیره شده در حافظه دراز مدت را تشکیل می‌دهد. «تفکر» گفته می‌شود. پس وقتی انسان با مسئله‌ای روبرو می‌شود و برای حل آن «فکر» می‌کند در واقع اطلاعات را بررسی کرده و برای پیش‌بینی راه حل احتمالی مسئله، از اطلاعات ذخیره شده در حافظه دراز مدت استفاده می‌کند و راه حل مسئله را در ذهن خویش پیدا می‌کند و سپس به حل آن می‌پردازد. «تفکر» عبارت از فعالیت‌های ذهنی برای حل مسئله است. یکی از روش‌های فعال تدریس معلم، روش حل مسئله است. «حل مسئله» فرایندی است برای کشف توالی و ترتیب صحیح راه‌های که به یک هدف یا یک راه حل منتهی می‌شود. در موقعیتی که انسان با مسئله‌ای روبرو می‌شود باید بر موانع و یا مشکلاتی که بر سر راه رسیدن به هدف وجود دارد، غلبه کند. عامل اصلی در حل مسئله استفاده از تجربه قبلی فرد برای رسیدن به راه حل و ارائه پاسخ است. (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۴).

نتیجه

یکی از علت‌های ناکارآمدی علوم انسانی در ایران به دلیل روش‌هایی است که در این حوزه به کار برده می‌شود. آشنا کردن نسل کنونی با روش نقد و انتقاد در دنیای اطلاعات، امکان مهارت‌افزایی در رابطه با نقد داده‌های اطلاعاتی گوناگون را موجب می‌شود. با همگانی شدن علم در دنیای مدرن شرایط به صورت بنیادین تغییر کرده و به تبع آن، علوم انسانی نیز وظایف و کارکردهای جدیدی را بر عهده گرفته‌است. حذف و طرد علوم کارسازی در این حوزه را فراهم نمی‌کند. با مهارت‌آموزی و ایجاد کاربردهای لازم در جریان آموزش نسل کنونی، تفکر انتقادی و مسئله‌محوری، یکی از راه‌های گشایش و تعمیق این حوزه خواهد بود. علوم انسانی، علوم نقد واقعیت بوده و هست. متولیان علوم انسانی، منتقدان جامعه هستند و کار عمده‌شان «بررسی روابط موجود میان نارضایتی فکری و نظریه‌های اجتماعی بوده‌است». کار منتقدان، بازنمود واقعیت‌های پیرامون یا درون وقایع و امور جوامع براساس فهم نظری همان جامعه از امور است، نه مینا قرار گرفتن جامعه‌ای دیگر در نقد واقعیت بر مینا و مقیاسی بیرونی. استفاده از تفکر انتقادی در رویکرد حل مسئله بسیار می‌تواند مؤثر باشد. استادان و معلمان نقش مهمی در رشد تفکر انتقادی و طرح مسئله در حوزه علوم انسانی دارند. آنان با ارتباط مؤثر، علاقه به تدریس، قابل دسترس بودن، منظم و صبور بودن، به روز بودن، هدف و برنامه‌ریزی داشتن، با توان بالایی می‌توانند در این راه قدم بردارند. دانشگاه‌ها نیز در مسیر توسعه، از روش طرح مسئله و تفکر انتقادی در تمامی حوزه‌های علوم به‌ویژه حوزه علوم انسانی، باید در طرح‌واره‌های آموزشی و توانمندی دانشجویان استفاده کنند. در سیستم کنونی دانشگاه‌ها تمرکز بر محتوای دوره و تولید و انبار کردن اطلاعات است، بنابراین، به دانشجویان نباید یاد داد که درباره چه چیز فکر کنند، بلکه باید یاد داد که چگونه فکر کنند. نکته مهم‌تر آن که علوم انسانی نیز از شمول نقد خارج نیست، اگر کار این

¹ Learning problem basic.

علوم نقد جامعه باشد، خود را نیز همواره باید در معرض نقد داشته و موضوع سنجش قرار دهند. چنانکه علوم انسانی قدیم نیز دست کم از این جهت همواره به نقد خود پرداخته‌اند. جمله مشهور ارسطو دلالت روشنی بر این مدعاست که در یکی از مباحثات که به نقد افلاطون پرداخته و نظری دیگر را پیش نهاده بود، از وی پرسیدند «مگر افلاطون را دوست نداری؟ و او پاسخ داد «افلاطون را دوست دارم اما حقیقت را بیش تر...» جوهر اندیشه انتقادی چنین است: نقد دانش انسانی به وسیله خرد نقاد.

منابع

۱. اسلامی، رسول (۱۳۸۲). توانایی تفکر انتقادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۲. بهمن‌پور، کاوه (۱۳۸۲). بررسی تأثیر آموزش به شیوه یادگیری براساس حل مشکل بر مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان، عوامل زمینه‌ساز تفکر انتقادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران.
۳. حسینی، عباس مسعود بهرامی (۱۳۸۱). مقایسه تفکر انتقادی در دانشجویان سال اول و آخر کارشناسی، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره ۶.
۴. صفوی، امان‌الله (۱۳۸۰). کلیات روشها و فنون تدریس، انتشارات معاصر.
5. Rubinfeld MG and scheffer Bk. (1999). 2nded. Critical thinking. Phila – delphia: Lippincott. P, 7.
6. SchafersmanDs. (1991). An introduction to critical thinking. January.
7. Stibsh, (2003)“Teaching and measuring thinking”. J Nurs Educ. vol, 42. Lss, and 11. P, 498.
8. Suliman Aw. And Halabij. (2007) Critical thinking, self-steem, N. Nurse Eductoday, p 167.
9. Cognitive mapping, semantic, net working, knowledge mapping, web teaching, concept trees
10. Hunt Bk. (2003) “Developing critical thinking skills. [http:// www. Drkenhunt com/ critical, html](http://www.Drkenhunt.com/critical.html) (2003 -05-90)
11. Kataoka-Yahiro, saylorc (1994). A critial thinking model. J NursEduc, p.356-351.



Components of critical methodology in the field of human sciences, with emphasis on problem-based learning

Faezeh Tavakoli*

Ph.D. Candidate, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Criticism in the field of humanities, along with the problem in this epistemic field, should be extended to two areas of thought and practice. One of the important issues in Iranian society is the human sciences crisis that is ineffective. If human beings are considered in nature and within their essence, and if we have accepted that the humanities of human knowledge in the mirror of mind, language, behavior, and social structures and structures of its artifacts, the importance and necessity of creating this knowledge will be available. There were some criticisms. In this paper, by presenting the components of critical methodology in humanities texts, with emphasis on teaching it to teachers and students, which are the main audience in teaching and learning, in order to be able to think in the method of education and use this field An important human thought is methodology and applied. The emphasis on this paper focuses on teaching critical thinking in the humanities and familiarity with problem-based learning in the teaching of humanities texts in order to emphasize public and applied skills, and to develop skills in providing solutions to the human problems that society face. It should be noted that the critical thinking method presented in this paper could also be used in other fields of science.

Keywords: Component of Human Sciences, Critical Methodology, Problem, Applicable.

* E-mail: faezehtavakoli@yahoo.com